

درباره نواز (۱)

ساز

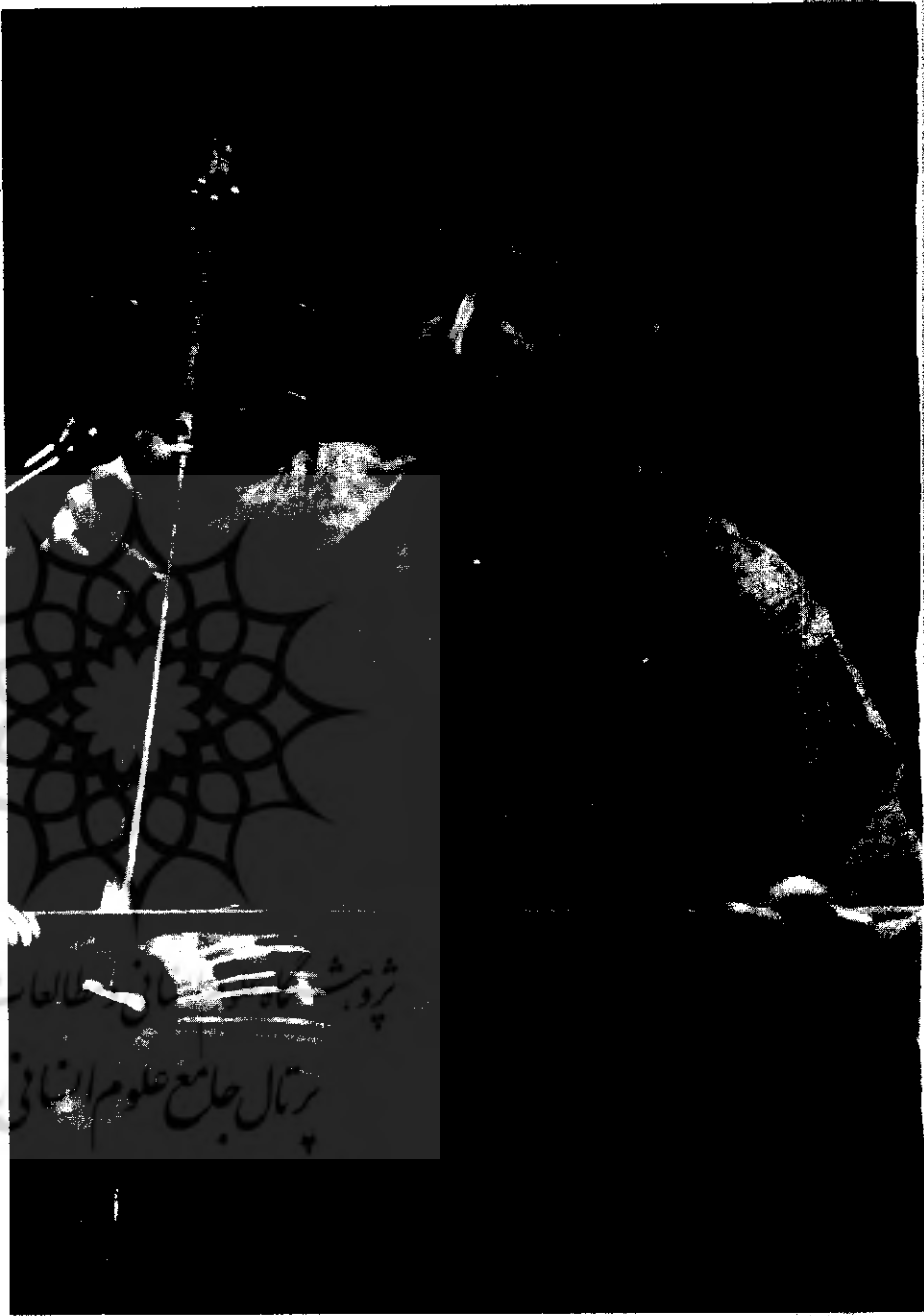
شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه علوم انسانی



### بهمن سمیعی

مجموعه «سایه روشن مهتاب» کاری است در زمینه موسیقی ایرانی و برای گروه سازهای ایرانی. چه گروه‌نوازی در موسیقی ایرانی و در نیم‌قرن اخیر، تحول چشمگیری یافته و تجربه‌های زیادی را در انواع و گونه‌های مختلف بیانی، با ترکیبات گوناگون ساختاری و سازی به خود دیده است و «سایه روشن مهتاب» نیز تجربه‌ای است در ادامه همین روند و در کنار سایر گونه‌ها. تجربه‌ای از نسل جوان و پویای موسیقی، که به موسیقی ایرانی به‌عنوان یک موسیقی جدی، پرمحتوا و منعطف می‌نگرند و در دنیای بی‌هویت و پرمشغله امروز، به دنبال زبان مشترک خود با ریشه‌ها و اصالتها و گذشته خویشند. گذشته و فرهنگی به قدمت تاریخ که پشتوانه جوان پویا، جويا و ایرانی امروز است.

در شرایط کنونی موسیقی کشور و در حالی که تولیدات موسیقی - در تمام بخشهای آن - با مشکلات زیادی مواجه است، مجموعه «یادمان بهار» از معدود آثاری است که در این زمینه و در بخش جدی آن، با نگاهی خاص تر و



مجموعه کرده

مجموعه «سایه روشن مهتاب» کاری است در زمینه موسیقی ایرانی و برای گروه سازهای ایرانی. چه گروه‌نوازی در موسیقی ایرانی و در نیم‌قرن اخیر، تحول چشمگیری یافته و تجربه‌های زیادی را در انواع و گونه‌های مختلف بیانی، با ترکیبات گوناگون ساختاری و سازی به خود دیده است و «سایه روشن مهتاب» نیز تجربه‌ای است در ادامه همین روند و در کنار سایر گونه‌ها. تجربه‌ای از نسل جوان و پویای موسیقی، که به موسیقی ایرانی به‌عنوان یک موسیقی جدی، پرمحتوا و منعطف می‌نگرند و در دنیای بی‌هویت و پرمشغله امروز، به دنبال زبان مشترک خود با ریشه‌ها و اصالتها و گذشته خویشند. گذشته و فرهنگی به قدمت تاریخ که پشتوانه جوان پویا، جويا و ایرانی امروز است.

تأمل برانگیزتر، توسط نسل جدید و جوان موسیقی، تولید شده است. در نگاه اول و بدون در نظر گرفتن تمام نکات فنی و تخصصی موسیقی، باید جسارت، عزم و اراده تولیدکنندگان این مجموعه را در شرایط فعلی ستود. اراده و جسارت آهنگساز در بیان موسیقایی ایده‌ها و به تجربه رساندن افق‌های ذهنی، عزم و اراده گروه در تمرین‌های بلندمدت و آزمایشگاهی (که از مهم‌ترین نتایج آن برقراری تبادلات حسی - موسیقایی گروهی می‌باشد)، دقت و وسواس در اجرا و پاره‌ای موارد دیگر، همگی نشان از همت بلند پدیدآوردگان جوان و دانشجوی این مجموعه دارد، که البته حمایت حوزه هنری در تولید و نشر این مجموعه تکامل‌بخش این عزم و اراده است. اگرچه مرکز موسیقی حوزه هنری با حضور آقای مهدوی در حمایت از آثار باارزش و هنری و انتشار آنها، به‌خصوص در مورد جوانان مستعد و خوش‌قریحه همواره پیش‌قدم و پرکار بوده است، اما سازمانها و نهادهای دیگر نیز باید بر حمایت این دست از جوانان - که تعدادشان کم هم نیست - الگو بگیرند و همت گمارند، پیش از آنکه خسارات ناشی از دیرکرد این حمایت، بیش از این بر پیکر موسیقی این مرز و بوم ضربه وارد سازد. به‌طور قطع حمایت‌های عملی لازم از ارائه این ایده‌ها و تجربه‌ها علاوه بر پویایی و بالندگی موسیقی کشورمان و بارورتر شدن درونمایه غنی آن، بازتاب این آثار و نقدهای شنوندگانش را در پی خواهد داشت که این سودمندترین قسمت کار برای تولیدکنندگان آنهاست.

در هر حال «سایه روشن مهتاب» نیز یکی از همین مجموعه‌هاست که ویژگی‌های درخور بحث و توجهی دارد و حضور مؤثر و ارزشمند هنرمند گرمی، آقای بیژن کامکار که اجرای آواز این مجموعه را به همراهی خانم نجمه تجدد بر عهده داشته‌اند، با توجه به تجربه چندین ساله‌شان در عرصه موسیقی، رنگ و بویی دیگر به این کار بخشیده است و این تجربه و پختگی در تلفیق با اندیشه‌های جوان آهنگساز، در مجموع کار را شنیدنی‌تر نموده است. البته این مجموعه نیز باید ناگزیر از صافی شنیداری شنوندگانش عبور کند تا نقدهای آنان در محافل مختلف، تکامل‌بخش فرآیند این تجربه باشد. با این‌همه بیان برخی از ویژگی‌های این اثر در یک نگاه کلی و به منظور داشتن پیش‌زمینه‌ای مناسب برای شنوندگانش خالی از فایده نخواهد بود که در ذیل به آن می‌پردازیم؛

این مجموعه شامل قطعات: برگ‌ریزان، کمند مهر، نسیم شمال، غریبانه، مژده‌داران و قطعه سه قسمتی بهار غم‌انگیز (نوید بهار، زمزمه، بهار غم‌انگیز) می‌باشد. اشعار این مجموعه از امیر هوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه) می‌باشد و ترکیب گروه نیز به شرح زیر است؛ سه‌تار (۱ و ۲)، تنبور،

رباب، بربط، کمانچه، نی، تنبک و دف به همراه آواز (۱) و (۲) و همخوانی.

در مورد سازبندی و نحوه به‌کارگیری‌شان در این مجموعه نکات زیادی می‌تواند مورد توجه باشد. اما مهم‌ترین آنها عبارتند از: استفاده از سه‌تار در گروه (بدون حضور تار و سنتور) و استفاده خاص از تنبور و ایجاد تمهیداتی برای نشان دادن آن در کنار سایر سازها، نت‌نویسی برای تمام سازها (حتی تنبک و دف) به منظور حصول دقیق‌تر ایده‌های موسیقایی مورد نظر، تلاش در استفاده از هر ساز با توجه به شخصیت صوتی و تکنیکی شناخته‌شده آن به‌عنوان یک رنگ مستقل صوتی (و نه فقط تقسیم گروه به دو بخش مضرابی و کششی برای اجرای ایده‌ها) و توجه به نوانس در اجرا و موارد دیگری از این دست که جای تأمل و توجه دارد. البته لازم به ذکر است که تنبور از جمله سازهای عرفانی موسیقی ایران به‌شمار می‌رود که دارای حرمت و تقدس خاصی نیز می‌باشد. اما نباید تصور کرد که استفاده از این ساز در موسیقی غیر مقامی با هدف از بین بردن جنبه‌های معنوی مورد نظر اهل حق و یا جدا کردن آن از دیار کهن و بومی و فاخر آن است.

بلکه باید دانست تنبور به‌عنوان یک ساز، می‌تواند حتی با ایجاد تغییراتی (همچنان که در این کار ایجاد شده) مورد استفاده قرار گیرد، بدون آنکه تعرضی بر جنبه‌های معنوی - مقامی‌اش صورت گرفته باشد.

در این مجموعه یک سیم بم به‌عنوان سیم چهارم به این ساز اضافه شده و پرده‌های لازم نیز افزوده شده است. اجرای نت‌های همزمان (دوبل نت‌ها)، مضراب «شُر» بر روی یک سیم و کنده‌کاری‌های مختلف از جمله ویژگی‌های تکنیکی است که در این کار مورد استفاده قرار گرفته است.

در مورد ملودیها و ساختار ملودیک قطعات این مجموعه باید گفت که جدای از تراوشات ذهنی شخصی و موارد دیگر، استفاده عینی و یا واریاسیون‌های دور و نزدیک از گوشه‌های موسیقی ایرانی و ملودیهای نواحی مختلف ایران کاملاً مشهود است. در واقع آهنگساز، ساختار کلی قطعات را بر اساس ردیف‌سازی و آوازی موسیقی ایرانی و یا ملودیهای موسیقی نواحی، بنا بر برداشت شخصی‌اش استوار نموده است. به‌عنوان مثال می‌توان به استفاده از گوشه‌های گیلکی و یا غم‌انگیز در قطعه «بهار غم‌انگیز» و یا یک آهنگ خراسانی در «برگ‌ریزان» اشاره کرد. حتی همین اصل مینا و اساس بداهه‌نوازی‌هایی است که نوازندگان در بخش‌هایی از این مجموعه بر عهده دارند. قطعاً نیازی به توضیح نیست که این دو جنس موسیقی (موسیقی نواحی ایران و موسیقی دستگامی) دارای چه اشتراکات و ریشه‌هایی هستند و دامنه وجودی و پویایی



هر یک از آنها تا چه حد ژرف و گسترده است. چه بسا آنچه که در این مجموعه مورد استفاده واقع شده فقط یکی از هزاران برداشتی است که می‌توان از آن داشت و لزوم شناخت عمیق و همه‌جانبه این دو به منظور استفاده‌هایی بهتر و بیشتر از جوهره درونی آنها روشن و بدیهی به نظر می‌رسد.

استفاده از جوهره درونی موسیقی ایرانی برای چند صدایی کردن آن و در نتیجه دستیابی به هارمونی خاص موسیقی ایرانی، همواره از آمال و آرزوهای بسیاری از اهل موسیقی بوده است که جست‌وجوها و تلاشهای خوبی نیز در این زمینه صورت گرفته است. شاید بتوان گفت که این تفکر و تلاش در این مجموعه نیز مورد نظر آهنگساز بوده است، اگرچه نمی‌توان برای این تلاش، مرزبندی خاص و معینی تعریف نمود که بتوان نتیجه قانونمند و روشنی نیز از آن گرفت اما می‌توان مواردی را به‌عنوان شاخص و یا چارچوب کلی در مورد این مجموعه نام برد. این موارد شامل؛ توجه به زمینه هارمونیک موجود و ساختار ملودیها در انواع موسیقی ایران، در نظر داشتن و استفاده بهینه از ساختار و امکانات بالقوه و بالفعل سازهای موجود و توجه به خطوط افقی (ملودی) در چندصداییها (کنترپون) می‌باشد. اما بارزترین و مهم‌ترین شکل چند صدایی که بسیار قابل تأمل و تعمق در این مجموعه است، ایجاد نوعی پلی‌مدالیته و یا پلی‌تونالیته (به تعبیر موسیقی غربی) در لحظاتی از آن می‌باشد. در واقع در بخشهایی از این کار (به‌طور خاص‌تر در دو قطعه غربیانه و بهار غم‌انگیز) دو مایه مختلف به‌صورت هم‌زمان با یکدیگر شنیده می‌شوند. هر چند این تمهید در موسیقی ایرانی برای اولین بار و به این شکل پیشنهاد شده است، اما می‌توان به‌عنوان یکی از پتانسیلهای موجود در موسیقی ایرانی و برای هارمونیزه کردن آن، البته با شناخت عمیق‌تر ساختار موسیقی ایرانی و روابط تنها در این ساختار با یکدیگر آن را در آینده باز هم تجربه نمود و به نتایج بیشتری در این مورد دست یافت.

آنچه در این مختصر درباره مجموعه «سایه روشن مهتاب» بیان شد، مواردی کلی و تا حد امکان از دیدگاه تخصصی و موسیقایی (و نه زیبایی‌شناسی) بود و جای آن دارد که از زوایای گوناگون و دیدگاههای مختلف مورد بحث، بررسی و نقد واقع شود. حتی ضبط و میکس این مجموعه که توسط گروه صدابردار آن به شکل خاص و تقریباً بی‌سابقه‌ای در موسیقی ایرانی انجام و ارائه شده، می‌تواند مورد توجه صاحب‌نظران قرار گیرد.

در هر حال احسان ذبیحی‌فر با آگاهی و تسلط فوق‌العاده بر آهنگسازی و شاخه‌های آن، و با ذهن خلاق و نگاه و درکی عمیق از موسیقی ایرانی اثری زیبا، بدیع و تأثیرگذار

را خلق نموده است که این اثر با همکاری گروه مهتاب به‌عنوان گروهی جوان و خوش‌آتیه و حضور صمیمانه و مؤثر آقای بیژن کامکار و همراهی خانم نجمه تجدد به مجموعه‌ای شنیدنی و ماندگار در زمینه موسیقی گروهی ایرانی تبدیل شده است. در واقع مجموعه‌ای با این کیفیت را باید نقطه عطفی در گروه‌نوازی موسیقی ایرانی دانست؛ در شرایطی که مشکلات زیادی همچون وجود مسائل و نارساییهای عمده در زمینه آموزش موسیقی ایرانی، عدم وجود تعریف درست و کاملی از مفهوم نوازندگی، نوازنده و فرهنگ گروه‌نوازی و موارد بسیار دیگری که در بخشهای فنی - فرهنگی - اجتماعی بر جامعه کنونی موسیقی کشور حاکم است.

در پایان امید آن می‌رود که همچنان شاهد تولید آثاری این‌چنین در انواع مختلف موسیقی ایرانی باشیم. آثاری که بر اساس سنتها و داشته‌های موسیقی ایرانی، با دیدی خلاقانه و بدیع و در قلمرو موسیقی جدی تجربه می‌شوند و گستره باروری موسیقی ایرانی را پویاتر و سرزنده‌تر می‌سازند.



اعضاء گروه مهتاب



محمد رضادرویشی

از سایه روشن مهتاب می گوید:

همنوازی سازها در ایران سوابقی دارد. با استناد به گزارشها و بحثهای انجام شده در برخی از رسالات موسیقی قدیم ایران، مینیاتورها و نقاشیهای برجای مانده و برخی نقش برجسته‌های سنگی و نیز تمهیداتی که برخی از شاعران پارسی‌گوی چون منوچهری دامغانی، نظامی گنجوی و... در رابطه با همنشینی سازها در موسیقی به کار بسته‌اند می‌توان گفت که هم‌نوازی سازها در ایران دارای سابقه است. این هم‌نوازی در قالب‌های حداقلی چون یک ساز ملودیک (بادی، زهی‌مضربی یا زهی‌آرشه‌ای) و یک ساز کوبه‌ای و گاه همراه با آواز تجلی می‌یافته است. در موسیقیهای برخی از نواحی ایران نیز هنوز می‌توان شاهد هم‌نوازی تعداد معینی از سازها بود. افزون بر ترکیب‌های دو یا سه نفری، غالباً ترکیبات مفصل‌تری از سازها حداقل در اجرای بخشهای ریتمیک موسیقی شرکت می‌کرده‌اند. در ایران دوره معاصر و در حوزه موسیقی دستگاهی، این بخشهای ریتمیک شامل پیش‌درآمد، تصنیف و رنگ بوده است. در عین حال طی چند دهه گذشته، قطعات مستقلی نیز برای گروه سازهای ایرانی فارغ از فرمهای پیش‌درآمد، تصنیف و رنگ ساخته و اجرا شده‌اند که هر یک از ساختار، صداهندگی و اسلوب‌های معینی در گروه‌نوازی استفاده کرده‌اند. قطعات ارایه‌شده در مجموعه... از این زمره است. اگرچه برخی از آهنگسازان به دلیل محدودیتهای موجود در ساختار سازها و نوع صدادهی گروه سازهای ایرانی و نیز به دلیل تغییر سلیقه و زیباشناسی خود، کار با این قبیل گروهها را رها کرده‌اند، اما هنوز می‌توان شاهد آثاری بود - گاه با رویکردهای جدید - که توسط گروه سازهای ایرانی اجرا می‌شوند.

احسان ذبیحی فر آهنگساز و نوازنده کمانچه از جمله هنرمندانی است که هنوز سعی دارد به تجربه‌ها و افقهای جدیدتری در ترکیب سازهای ایرانی دست یابد. محدودیتهای او به‌عنوان یک جوان کوشا برای پرداختن به چنین امری بر هیچ موسیقیدانی پوشیده نیست. وجود شیوه‌های مختلف در گروه‌نوازی سازهای ایرانی و نبود معیارهای معین در طبقه‌بندی این شیوه‌ها، مشکلات ساختاری سازهای ایرانی، موضوع چندصدایی یا پولیفونی ایرانی که با وجود کثرت آثار تولیدشده هنوز مراحل تجربی خود را می‌گذراند، مشکلات ناشی از پیوند مفاهیم جدید شعری با موسیقی کلاسیک ایران، نبود پشتوانه در سنت موسیقایی ایران در به‌کارگیری هم‌زمان مدها و تنالیتها و بسیاری از موضوعات دیگر از جمله مشکلاتی است که فرا راه موسیقیدانهای ایران و به‌ویژه جوانان است. افزون بر همه اینها، فقدان نهادها، انجمنها و کانونهایی که حمایت از تجربه‌های جدید و آثار جوانان را در حوزه وظایف خود بدانند مزیدی بر مشکلات پیش گفته است. آهنگساز مجموعه سایه روشن مهتاب به غیر از بهره‌گیری از تجربیات انجام‌شده در گروه‌نوازی ایرانی، دست به تجربیات جدیدی نیز زده است. شاخص‌ترین این تجربه‌ها استفاده از تمهید

پلی‌مدالیت و پلی‌تنالیت است که در قطعه‌های بهار غم‌انگیز و غریبانه به‌کار بسته است. به‌عنوان نمونه در بهار غم‌انگیز مدهای دشتی و چهارگاه با میناهای مختلف صوتی به‌طور هم‌زمان به جریان می‌افتند. هم‌زمانی مدها و تنالیتها که ناشی از برداشت آهنگساز از مفاهیم شعر بهار غم‌انگیز است اگرچه در قالب گروه سازهای ایرانی تمهیدی جدید است اما با شیوه‌های مختلفی از اوایل قرن بیستم میلادی توسط آهنگسازان مغرب‌زمین به کار بسته شده است. موفق بودن این شیوه در گروه سازهای ایرانی و درارتباط با فواصل و کیفیات نغمگی موسیقی دستگاهی از مسیر اقبال یا عدم اقبال شنوندگان این موسیقی خواهد گذشت. در عین حال این امر فارغ از تأثیرات آن بر شنونده و موفقیت یا عدم موفقیت آن در بیان مفاهیم شعر، حاوی شجاعتی قابل تحسین و تلاشی جسورانه است. دیدگاهی که در لحظاتی حزن دشتی را با شکوه چهارگاه به‌طور هم‌زمان طالب است. اگرچه تکنیک پلی‌مدالیت بهانه‌ای برای به‌جریان انداختن موسیقی و انتقال برخی مفاهیم است، اما:

تو خود بهانه خویشی، پی بهانه مگرد  
به‌هوش باش که هر نقطه دام دایره‌ای است!  
«سایه»

در قطعات این مجموعه، چگونگی استفاده از تنبور نیز می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. تنبور را یک ساز روحانی و عرفانی می‌دانند؛ اما روحانی بودن تنبور به اعتبار مقامها و رپرتوار اجراشده توسط آن است نه ساختارش. این ساز در حوزه فرهنگی و اعتقادی اهل حق به اعتبار مقامهای اجراشده توسط آن سازی روحانی است اما این ساز در عین حال یک ساز ملی ایران نیز هست که می‌تواند در خارج از قلمرو فرهنگی و اعتقادی اهل حق به‌عنوان یک ساز مورد استفاده قرار گیرد. در چنین موقعیتی تنبور البته می‌تواند تغییراتی را برحسب لزوم در تعداد وترها یا دستاتنا پذیرا گردد؛ همچنان که در قطعات موجود در مجموعه سایه روشن مهتاب شاهد چنین تغییراتی هستیم.

در این مجموعه از اصل یا واریاسیونهایی از گوشه‌های ردیف دستگاهی و موسیقی نواحی ایران استفاده شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به گوشه‌های گیلکی و غم‌انگیز در قطعه بهار غم‌انگیز و نغمه‌ای از خراسان در قطعه برگ‌ریزان و... اشاره کرد. در این قطعات از امکانات سازهای ایرانی در حد مطلوب و مستقل بهره برده شده و در شکل دادن به چندصداییهای موجود در این قطعات نیز سعی شده که از خصوصیات نغمگی این قطعات استفاده شود؛ اگرچه در مواقعی شاهد تسلسلهایی از آکوردها هستیم که منشأ آنها چیزی جز هارمونی تیرس غربی نیست اگرچه در فرنکسیونی متفاوت از ماژور و مینور تصور شده باشند.

مجموعه سایه روشن مهتاب حاصل یک فعالیت نوگرایانه دانشجویی است که فقط به سعی آهنگساز و همراهی و همدلی نوازندگان و خوانندگان شکل گرفته است. این مجموعه اگرچه در مسیر یک دوره از تجربیات گروه‌نوازی در ایران قرار می‌گیرد، اما حاصل تجربیاتی نو و شجاعانه از نسل جوان امروز ایران است که حتماً پدیدآورندگان آن به نقاط قوت و ضعف آن نگاهی دقیق و عمیق خواهند داشت.

کلید در امید اگر هست شما باید  
در این قفل کهن‌سنگ چو دندانه بگردید!  
«سایه»



سال هشتم - دوره نهم  
شماره هفتم